



جلال میرزایی

نماینده مجلس دهم

محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در بخشی از گفت‌وگو با نشریه انگلیسی فایننشال تایمز گفت: ایران زمانی حاضر به مذاکره با آمریکا و قدرت‌های جهانی است که سیگنال روشنی در خصوص رفع تحریم‌ها دریافت کند. آن‌ها (غرب) باید به ما اطمینان خاطر دهند که تمام تحریم‌هایی که پس از اجرای برجام اعمال شده، ظرف کمتر از یک سال رفع می‌شود. محسن رضایی حتی با حضور در مجمع تشخیص مصلحت نظام، نه جزو تصمیم‌گیران کلان نظام جمهوری اسلامی ایران است و نه در روند تصمیم‌سازی مسائل مهمی چون حوزه حساس سیاست خارجی و پرونده فعالیت‌های هسته‌ای و برجام می‌تواند دست به تصمیم‌سازی بزند. تصمیمات جای دیگری و در جمع دیگری از افراد گرفته می‌شود. اتفاقاً به نظر می‌رسد

محسن رضایی هم با آگاهی بر این واقعیت سعی دارد در سایه گفت‌وگو با رسانه‌های خارجی از خود چهره‌ای منطقی و تنش‌زاد در حوزه سیاست خارجی نشان دهد تا ضمن اینکه خود را گزینش‌ای جدی برای کسب کرسی پاستور معرفی کند، هم پالس مثبتی به بیرون از کشور داده شود و هم بتواند همراهی نسبی افکار داخلی را داشته باشد، غافل از اینکه اساساً بازی کلان سیاسی انتخابات ۱۴۰۰ کشور جایی برای عرض‌اندام او منصور نیست. از طرف دیگر ذکر این نکته مهم ضروری است که مسئولان دولتی و به‌خصوص دستگاه سیاست خارجی باید تمرکز خود را در این روزهای حساس، روی برجام و تحولات پیرامون آن بگذارند. به هر حال از زمان آمادگی کشور برای اجرای ماده ششم مصوبه مجلس موسوم به اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها به منظور توقف اجرای پروتکل الحاقی شاهد حضور رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در کشور بودیم که با دریافت و هوشمندی به صدور بیانیه و توافق سازمان انرژی اتمی با آژانس منجر شد که هم مصوبه را به نحوی اجرای کرد و هم تبعات منفی اجرائی کردن آن را کاست. اما در هفته جاری دستگاه سیاست خارجی عملاً و رسماً با رد پیشنهاد اروپایی‌ها برای حضور در مذاکرات غیررسمی برجامی مسیر دیگری را در پیش گرفت که با مدیریت چند روز اخیر نهایتاً اروپا از تصمیم خود برای صدور قطعنامه علیه پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نشست شورای حکام عقب‌نشینی کرد و قرار شد که مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک ماه دیگر به ایران سفری داشته باشد. بنابراین در این روزهای حساس نباید دعواها، اختلافات، جنجال‌ها و رقابت‌های سیاسی داخل کشور در آستانه انتخابات ۱۴۰۰، وزارت امور خارجه را از مسیر درست خود منحرف کند. لذا گفته‌های محسن رضایی و نظایر آن به هیچ‌وجه نباید کوچک‌ترین دغدغه‌ای برای دستگاه سیاست خارجی در روزهای حساس پیش‌رو به وجود آورد. به هر حال مشروعیت و مقبولیت این جریان در تداوم این تنش‌ها و اتهام‌زنی به دولت است تا بتوانند برای خود در نزد افکار عمومی داخلی جایگاهی در آستانه انتخابات ۱۴۰۰ کسب کنند. لذا به هر طریق ممکن مانع از این خواهد شد که اعتبار سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی احیای برجام به دولت حسن روحانی و جریان همسود در آستانه انتخابات برسد؛ چرا که در این صورت دست آنهاست از رسیدن به کرسی پاستور کوتاه خواهد شد. مشکل آنجاست که بیش از ۲۰۰ تن از نمایندگان مجلس در نامه به قوه قضائیه خواستار محاکمه رئیس‌جمهور، وزیر امور خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی به دلیل بیانیه و توافق یکشنبه هفته گذشته با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هستند؛ مشکل آنجاست که حدود ۱۷۰ نماینده در یک بیانیه به دنبال عدم تصویب دو لایحه سی‌فاتی و پالرمو در مجمع تشخیص مصلحت نظام هستند تا کماکان با تداوم چالش‌ها، مشکلات و بحران‌های کنونی در کشور نان حیات سیاسی خود را در روغن اتهام‌زنی و تخریب دولت چرب کنند. پس پیام اصلی و موانع جدی بر سر توفیق دیپلماسی و گشایش این سوی این حضرات و نهادهای مربوط به آنان است، نه گفت‌وگوهای خارجی محسن رضایی.

پیرو این نکته بی‌شک خود اروپایی‌ها و دولت بایدن بر این واقعیت غیرقابل کتمان اشراف دارند که جریان‌های رادیکال در نظام جمهوری اسلامی ایران به موازات مخالفان آمریکایی برجام و لابی‌های صهیونیستی و سعودی موانع جدی بر سر احیای توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌ها قرار خواهند داد چون منافع آنها در تداوم شرایط کنونی است.

دکتر غلامعلی رجایی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

دوگانه «احمدی نژاد- هاشمی»

به «احمدی نژاد- حاکمیت»

تبدیل شد

رقیب جدی جریان اصلاحات آرای خاکستری است

رئیس‌ی در نهایت وارد کارزار انتخاباتی خواهد شد؟

اصلاح‌طلبان استراتژی سال ۹۲ را دوباره تکرار کنند

گزینه اصلی جریان اصلاحات جهانگیری است

به ظرفیت توصیه شده حضور در انتخابات را انکار نکنند

حضور ناطق نوری و سید حسن خمینی در انتخابات منتفی است

انتخابات ریاست جمهوری در ایران آغاز شده است

ممکن است اصلاح‌طلبان روی یک گزینه مرضی طرفین اجماع کنند

دولت روحانی بدبیار ترین دولت تاریخ جمهوری اسلامی است



عکس: آرمان ملی / افاطمه فتاحی

آرمان ملی - احسان انصاری: در حالی که تا آغاز انتخابات ریاست جمهوری چند ماه باقی مانده اما تحركات کاندیداهای بالقوه انتخاباتی آغاز شده و برخی از کاندیداهای احتمالی انتخابات سفرهای انتخاباتی خود را آغاز کرده‌اند. این در حالی است که در شرایط کنونی اصولگرایان با تعدد کاندیدا مواجه هستند و اصلاح‌طلبان با محدودیت. از سوی دیگر گمانه‌زنی‌ها درباره حضور احتمالی دو تن از روسای قوا یعنی ابراهیم رئیسی و محمدباقر قالیباف و همچنین وزیر امور خارجه روزبه روز افزایش پیدا می‌کند. به همین دلیل باید منتظر ماند تا تصمیم کسانی که امروز برای حضور در انتخابات اعلام آمادگی نمی‌کنند در آینده مشخص شود. به همین دلیل نیز شرایط برای دو جریان سیاسی کشور متفاوت پیش می‌رود. برای تحلیل و برررسی آرایش جزا اصولگرایان یک رقیب جدی دیگر نیز دارند که آرای خاکستری هستند. آرای خاکستری و گروهی که به شرایط موجود نمی‌گویند نیز در شرایط کنونی به راحتی پای صندوق‌های رأی نخواهند آمد. وضعیت آرای خاکستری برای اصلاح‌طلبان نسبت به اصولگرایان از اهمیت بیشتری برخوردار است. نمونه بارز این قضیه نیز در انتخابات مجلس یازدهم رخ داد که با عدم حضور آرای خاکستری اصولگرایان با یک رای حداقلی در انتخابات به پیروزی دست پیدا کردند. در شرایط کنونی آرای خاکستری در انتخابات در اختیار اصلاح‌طلبان قرار ندارد. دلیل آن نیز این است که در گذشته در هیچ انتخاباتی نتیجه انتخابات به سر نوشت معیشت مردم گره نخورده بود. ما در انتخابات آینده با یک وضعیت استثنایی مواجه خواهیم بود.» در

اجماع کنند. **▲ آقای عارف از مسدودت هاقبل در حال تدارک جمهوری حضور در انتخابات ریاست جمهوری هستند و به نظر می‌رسد یکی از مدعیان جدی حضور در انتخابات هستند. آیا شرایط اصلاح‌طلبان به صورتی است که ره‌وی گزینه‌ی عارف خواهد بود؟** آقای عارف از مدت هاقبل در حال تدارک برای حضور در انتخاباتند و در برخی از استان‌ها نیز ستاد‌های خود را راه‌اندازی کرده‌اند. با این وجود با توجه به صحبت‌هایی که با ایشان انجام داده‌ام ایشان معتقد بودند اگر اصلاح‌طلبان روی گزینه دیگری اجماع کنند ایشان نیز تبعیت خواهند کرد. بنده گمان نمی‌کنم گزینه مورد نهایی اصلاح‌طلبان آقای عارف باشد. واقعیت این است که ایشان یک گزینه مناسب برای شکست خوردن هستند. آقای عارف به‌رغم شایستگی‌هایی که دارند اما در باره ایشان ملاحظاتی وجود دارد که شرایط پیروزی‌شان را سخت می‌کند.

▲ چرا آقای عارف را گزینه مناسبی برای شکست خوردن می‌دانید؟ اگر آقای عارف در انتخابات حضور پیدا کنند جریان اصولگرایی با قدرت بیشتری در انتخابات حضور پیدا خواهد کرد. اصولگرایان در انتخابات ریاست جمهوری گذشته شکست خوردگان ضعیفی نبودند و نزدیک به ۱۶ میلیون رأی به دست آوردند. این در حالی است که در سال‌های اخیر آقای رئیسی در قوه قضائیه عملکرد قابل‌قبولی از خود ارائه کرده و به همین دلیل مقبولیت ایشان بیش از گذشته است. از سوی دیگر ایشان سفرهای استانی مهمی داشته‌اند که رنگ‌بویی انتخاباتی داشته‌اند. این در حالی است که شرایط آقای عارف متفاوت بوده و دارای چنین مزیت‌هایی نبوده است. واقعیت این است که شرایط برای جریان اصلاحات سخت است. از یک طرف جریان اصلاحات با محدودیت‌های زیادی همراه است و از طرف دیگر اصولگرایان با فرصت‌ها و موقعیت‌های متعددی مواجه هستند.

▲ در چه شرایطی می‌توان محسن هاشمی را گزینه نهایی اصلاح‌طلبان قلمداد کرد؟ در مرحله نخست طیف‌های مختلف جریان اصلاحات باید روی محسن هاشمی اجماع کنند. پس از خود خرداد ۷۶ هیچ‌یک از کاندیداهایی که در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی رسیدند گمان نمی‌کردند در انتخابات پیروز شوند. این وضعیت در انتخابات ۱۴۰۰ نیز وجود خواهد داشت. با این وجود معتقدم اگر واقع‌بینانه به فضای انتخابات نگاه کنیم شناس اصولگرایان بیشتر است و احتمال اینکه رئیس‌جمهور بعدی یک اصولگرا باشد زیاد است. تنها در شرایطی که اصولگرایان به توافق نرسند و روی یک گزینه اجماع نکنند و از سوی دیگر گزینه مورد نظر اصلاح‌طلبان نیز در مناظره‌های انتخاباتی عملکرد مناسبی داشته باشد می‌توان به پیروزی اصلاح‌طلبان در انتخابات امیدوار بود. جریان اصلاحات جز اصولگرایان یک رقیب جدی دیگر نیز ندارند که آرای خاکستری هستند. آرای خاکستری و گروهی که به شرایط موجود نه می‌گویند نیز در شرایط کنونی به راحتی

برخی از اصلاح‌طلبان گمان می‌کنند به دلیل عملکرد دولت روحانی پایگاه اجتماعی آنها تحت‌الشعاع قرار گرفته است. این در حالی است که دولت حسن روحانی را باید بدبیارترین دولت چهار دهه اخیر نامید. به قدرت رسیدن ترامپ و تحریم‌های اقتصادی از مهمترین اتفاقاتی بود که خارج از حیطه دولت رخ داد. از سوی دیگر در این دولت رابطه ایران و عربستان نیز به هم خورد که این رابطه در معادلات منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. این مسائل در کنار برخی بی‌تدبیری‌های دولت وجود داشته است. به عنوان مثال در موضوع افزایش قیمت بنزین بنده عملکرد دولت آقای روحانی را معقول و سنجیده نمی‌دانم. در این ماجرا شکافی بین ملت و حاکمیت ایجاد شد که به راحتی نیز تمیم نخواهد شد. مدیریت دولت در موضوعاتی مانند زلزله و سیل نیز قابل‌قبول نبود و از این نشانه‌ها می‌شد به خوبی متوجه شد که دولت زمین خورده است. بدبباری دیگری که دولت آقای روحانی با آن مواجه شد رحلت آیت‌... هاشمی بود که فقدان ایشان ضربه بزرگی به دولت زد. در شرایط کنونی اصلاح‌طلبان باید تلاش کنند گزینه خود را با چانه‌زنی با حاکمیت وارد کارزار انتخاباتی کنند. در غیر این صورت باید روی یک گزینه معتدل اجماع کنند و قبل از هر تصمیمی دغدغه‌های خود را با وی مطرح کرده و در صورت توافق از وی حمایت کنند. اگر قرار است گزینه اصلاح‌طلبان تأیید نشود باید روی فردی اجماع کرد که در صورت حمایت اصلاح‌طلبان بخشی از دولت را به اصلاح‌طلبان واگذار کند.

▲ چه کسی حاضر خواهد شد چنین شرایطی را بپذیرد؟ بهترین گزینه چه کسی است؟ برخی از آقای ناطق‌نوری و سیدحسن خمینی نام می‌برند که بنده با هر دو نفر صحبت کرده‌ام. حضور هر دو نفر در انتخابات قطعاً منفی است. آقای ناطق معتقد است باید از ظرفیت اصلاح‌طلبان و اصولگرایان معتدل استفاده و روی یک گزینه معتدل و منطقی اجماع کرد. بنده معتقدم بهترین گزینه‌های ممکن برای جریان اصلاحات جهانگیری، محسن هاشمی و محمدجواد ظریف خواهد بود. درباره آقای ظریف نیز باید این نکته را عنوان کنم که به ایشان توصیه شده حضور خود را در انتخابات به صورت صددرصد انکار نکنند تا وضعیت در آینده مشخص شود. پس از این افراد نیز آقای لاریجانی می‌تواند گزینه مناسبی برای ریاست جمهوری باشد. حتی می‌توان شرایطی را در نظر گرفت که همه این افراد در انتخابات ثبت‌نام کنند اما در نهایت با توجه به شرایط انتخاباتی به سود یکدیگر کناره‌گیری کنند. پیشنهاد بنده تکرار استراتژی اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ است که چند گزینه وارد انتخابات شوند و در نهایت با یکدیگر توافق کنند و به سود یک گزینه نهایی کناره‌گیری کنند. سیدحسن خمینی معتقد بودند از پتانسیل جریان اصلاحات برای انتخاب گزینه استفاده شود. ایشان حتی معتقد بودند رئیس دولت اصلاحات در انتخابات حضور پیدا کنند که با توجه به شرایط موجود بعید است این اتفاق رخ دهد. این احتمال وجود دارد که رئیس دولت اصلاحات فرد دیگری را معرفی کنند و طیف‌های مختلف اصلاح‌طلب روی وی

▲ چرا رئیس دولت اصلاحات در مقطع کنونی تصمیم گرفته‌اند به مقام معظم رهبری نامه بنویسند؟ مهمترین پیامدهای این نامه در فضای سیاسی چه خواهد بود؟

این نامه اول رئیس دولت اصلاحات به رهبری نبوده و در گذشته نیز مسبوق به سابقه بوده است. ایشان یک بار به صورت خصوصی به من یک نامه را نشان دادند که خودشان نامه را مهر و موم کرده و عنوان کرده بودند مهر و موم کردن نامه حتی توسط دفتر بنده انجام نمی‌شود و خودم این کار را انجام می‌دهم. ایشان عنوان می‌کردند برای اینکه در آینده درباره نامه حرف و حدیث ایجاد نشود حتی از نامه کپی نیز گرفته نشده است. رئیس دولت اصلاحات احساس وظیفه می‌کنند نکاتی را که درباره مدیریت کشور وجود دارد، با مقام معظم رهبری مطرح کنند. این روش در زمان حکمت حضرت امام نیز وجود داشته است. به صورت طبیعی ارتباط با رهبری باید حضور داشته باشد یا به صورت مکتوب. به دلیل اینکه در شرایط کنونی به دلایل مختلف زمینه برای دیدار حضوری فراهم نیست رئیس دولت اصلاحات تلاش کرده‌اند دیدگاه‌های خود را درباره مدیریت کشور به صورت نامه با رهبری در میان بگذارند. بنده چندین بار به آقای هاشمی گفتم در صورت امکان این رابطه را حسنه کنید و اگر امکان دارد در برخی جلسات با رهبری رئیس دولت اصلاحات را با خود ببرد. حتی زمانی که مقام معظم رهبری در بیمارستان بستری بودند ما به آقای هاشمی پیشنهاد کردیم شرایطی را فراهم کنند که رئیس دولت اصلاحات نیز از رهبری عیادت کنند. در این زمینه آقای هاشمی ملاحظاتی داشتند که در نهایت نیز این اتفاق رخ نداد. چه برخی دوست داشته باشند و چه دوست نداشته باشند رئیس دولت اصلاحات برچمدار جریان اصلاحات در کشور است و باید نسبت به دغدغه‌های ایشان حساسیت داشت. در شرایط کنونی برای یک جریان سیاسی به اندازه‌ای فرصت ایجاد شده که نمی‌داند چگونه از این فرصت‌ها استفاده کند و از سوی دیگر برای یک جریان سیاسی به اندازه‌ای محدودیت ایجاد شده که نمی‌تواند برای آینده برنامه‌ریزی کند. بنده فکر می‌کنم آقای رئیسی در نهایت وارد انتخابات خواهد شد. این در حالی است که حضور آقای لاریجانی، رضایی و ضرغامی نیز محتمل است. این در حالی است که در جریان اصلاحات تنها نام افراد محدودی برای انتخابات مطرح شده است. به همین دلیل این احتمال وجود دارد که اصلاح‌طلبان در صورتی که روی گزینه اصلی خود یعنی آقای جهانگیری به اجماع نرسند در نهایت روی یک گزینه مرضی طرفین اجماع کنند. در شرایط کنونی دو دیدگاه در جریان اصلاحات وجود دارد. گروهی معتقدند تحت هر شرایطی باید از یک گزینه اصلاح‌طلب حمایت کرد و از سوی دیگر گروهی معتقدند اگر شرایط انتخابات به سمتی برود که باید روی یک گزینه غیراصلاح‌طلب اجماع کرد در نهایت بهتر است این اتفاق رخ دهد.

▲ به نظر شما در نهایت از بین این دو دیدگاه کدام یک نقش تعیین‌کننده خواهد داشت؟

بنده معتقدم در این زمینه باید واقع‌بین بود و هر تصمیمی که گرفته شد باید هزینه آن پرداخت شود. این وضعیت درباره دولت آقای روحانی نیز وجود دارد و اصلاح‌طلبان باید هزینه حمایت خود را از دولت آقای روحانی بپردازند. البته

سیاسی ۱۱

سخن روز

وقایعی که نتیجه

بحران مدیریتی است

ادامه از صفحه ۳ هم اینکه بی‌سواد مطلق‌اند در حالی که حدود ۴۰ سال است نهضت سوادآموزی داریم؛ نهضتی که قرار بود افراد سالمندی که در رژیم سابق واجب‌التعلیم بودند و تعلیم ندیدند را آموزش دهد، حال اینکه خودمان تعداد زیادی واجب‌التعلیم بی‌سواد مطلق داریم. از آن طرف با فرار مغزها مواجهیم. جمعیت کشورهایی مثل دانمارک، بلژیک، سوئیس و هلند حدوداً ۶،۵ میلیون نفر هستند و به همین تعداد ایرانی نخیه در خارج از کشور داریم. در سال گذشته چه تعداد پزشک و پرستار از ایران مهاجرت کرد؟ چه تعداد استاد دانشگاه؟ الان هم تبلیغات امارات حاکی از این است که به پزشکان و پرستاران اقامت می‌دهد. پاسپورت کشوری که چند سال است پاسپورت اول دنیااست. حساب کنید هم سرمایه ملی و هم سرمایه معنوی یعنی تحصیلکرده‌گانی را که در این کشور پزشک و مهندس شدند به باد می‌دهیم. با یک افزایش جمعیت سه‌سام‌آور مواجهیم، هرچند مسئولان بالادستی معتقدند ایران می‌تواند ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد. سمعا و طاعتاً ولی باید برای این جمعیت شغل ایجاد کنیم. نه اینکه فقط جمعیت را افزایش دهیم و شغلی در کار نباشد و از کشور مهاجرت کنند. برخی از مسئولان عالی‌رتبه هم بر این نکته که سوءمدیریت وجود دارد، صحه گذاشته‌اند. من خودم یک تولیدکننده‌ام و امسال انار را روی درخت از من کیلویی ۲۵۰۰ تومان خریدند، در حالی که بسیار گزاف‌تر به دست مصرف‌کننده می‌رسد. در پارکینگ‌های ایران خودرو و سایپا هزاران خودرو دپو شده و تعداد زیادی هم در انتظار تحویل به‌سر می‌برند. هرروز که می‌گذرد خط فقر به علت سوءمدیریت پررنگ‌تر می‌شود. در هر جامعه سه طبقه و طبقه وجود دارد: طبقه مرفه و به قول قالیباف ۴ درصدی‌ها، به قول آمریکایی‌ها وال‌استریت‌های یک درصد. طبقه متوسط که بعد از طبقه مرفه قرار دارد و طبقه فقیر. کوشش تمامی کشورها مبنی بر بالا بردن طبقه متوسط است نه سقوط آن تا فاصله زیادی با طبقه مرفه نداشته باشد ولی طی این سال‌ها با سوءمدیریت، طبقه مرفه افزایش چشمگیر یافت و باستی هیلز، اساخت و در مقابلش گورخواب‌ها از گورها سر برون آوردند و طبقه متوسطی که در پرداخت اجاره‌بهای آپارتمان خود وامانده شده، طبقه متوسط کوچک‌تر شد و طبقه فقیری را که باید همه دولت‌ها کوشش کنند تا کمتر شود داریم وسیع‌تر می‌کنیم. واقعیت این است که سوءمدیریت باعث این مسائل و مصائب شده است. مساله شفاف نبودن روابط اقتصادی کشور هم از طرفی باعث شد نتوانیم پول‌های خارج را دریافت کنیم. به لیست سیاه گروه مالی اقدام مشترک قرار گرفتیم و کمتر بانکی حاضر به مرادوات با ماست. فکر کنید اگر قرار بود در شرایط عادی کالا بفروشیم چقدر پول ایدمان می‌شد؟ حتماً چندبرابر مبلغی که الان قرار است به ما بدهند. ما کالاهایمان را با واسطه می‌خریم و اجناس مان را ارزان‌تر می‌فروشیم تا تحریم‌ها را دور بزنیم چون دچار یک بحران مدیریتی هستیم.

یادداشت

ما و هشتم مارس

ادامه از صفحه ۳... و دستاوردها بسیار کم و محدود است. مثلاً معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری به وسیله خانم ابتکار و قبلا خانم مولاردی، لعیاجنیدی در معاونت حقوقی رئیس‌جمهور و... لویایحی جهت صیانت از حقوق زنان و تأمین امنیت آنها تدارک دیده و به مجلس فرستاده‌اند و این تلاش‌ها بسیار ارزنده و ارزشمند است، اما برای هر اقدام و تغییر بسیار کوچک، باید سال‌ها تلاش مستمر انجام داد و به نحوی که غیرقابل تصور است... مثلاً چندی پیش قصد داشتم که شرایططلاق را به شکلی تغییر دهیم که برای زن و مرد مساوی باشد، اما بعد از سال‌ها آمد و رفت، نوشتن و توضیح دادن و... هنوز هم نتیجه‌ای نگرفتیم. رشد زنان در جامعه ما از نظر سواد، اشتغال و مسائل معنوی بسیار سریع بوده، اما رشد مهربانگی قوانین با جامعه زنان بسیار لاکچریتی و کند است، در حالی که بسیاری از این قوانین به‌عنوان عرف در جامعه شناخته می‌شود ولی قانون نیست. متأسفانه حتی در مواردی اگر ریشه‌یابی صورت بگیرد، در جوامع سنتی و در شهرهای دور و ایلات عشایری، خود زنان نیز باعث ایجاد این شرایط هستند. آرزوی ما در روز جهانی زن، احقاق این تغییرات در جامعه امروز ایران است و امیدواریم روزی برسد که تبعیض میان زنان و مردان برادشته شود. بی‌شک با تحقق این موضوع، رشد در جامعه مهربانگی بیشتری پیدا خواهد کرد.

نگاه

دیپلماسی محرمانه

بین ایران و آمریکا؟

ادامه از صفحه ۲

از دست بدهیم به نظر می‌رسد که ایران و آمریکا مشغول یک دیپلماسی محرمانه‌ای هستند که اظهارنظر دکتر ظریف در اینباره و همچنین سخن دکتر روحانی مبنی بر اینکه از سر غرامت گذشته‌ایم، در همین راستا ارزیابی می‌شود. در حقیقت آثار و قرارت در مرحله سوم نشان می‌دهد که داریم به همدیگر نزدیک‌تر می‌شویم و راهی هم غیر از این وجود ندارد. هم‌اینک مطالبات ما از طریق ارسال واکسن از کره پیام دلگرم‌کننده‌ای است که آمریکا دارد و پنجره‌های بسته‌شده را به سمت ما باز می‌کند. مجموعه‌ها به نظر می‌رسد که وارد مرحله سوم شدیم که مرحله امیدوارکننده‌ای است اما باید در پی مقدمات ملاحظات دیگری واردن ولی منابع اصلی مخالفت و رسانه‌هایی که پیش‌تر بر طبل‌های دیگری می‌کوبیدند، فروکش کرده‌اند و به این نتیجه که هیچ راهی جز مذاکره وجود ندارد، رسیده‌ایم. درحقیقت وزیر خارجه ایرانند به‌عنوان پیام‌آور از طرف اتحادیه اروپا و آمریکا و همچنین منتقل‌کننده پیام‌هایی که به آنهاست.